



طلوع روزنامه فرهنگی/سیاسی/اجتماعی/ورزشی صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد مهدی جعفری زاده		
شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا) : ۸۰۰۲-۵۸۷۳	ISSN: 5873 - 8002	عضو شرکت تعاونی مطبوعات کشور
شیراز: خیابان انقلاب (نادر) / نیش پارک انقلاب / مجتمع رز / طبقه اول	تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۲	فکس: ۳۲۳۴۴۷۷۱ چاپخانه: آنبیل رسانه برتر
کازرون: خ قدمگاه / پایین تر از تقاطع امیر کبیر ۴۲۲۲۹۲۴۶-۰۷۱	حساب جاری سپهر ۰۱۰۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات به نام روزنامه طلوع	
آدرس سایت: www.tolounews.com	پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com	مرامنامه اخلاقی: tolounews.com/Regulations.aspx
آدرس کانال تلگرام رسمی روزنامه طلوع: http://telegram.me/tolounews یا جستجوی @tolounews		

چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۶ شماره ۲۱۳۶ قیمت در کازرون ۴۰۰ تومان

## امروز شما

**فرودین**  
شما در حال تغییر مسیر شغلی تان هستید. البته این را بدانید که تغییرات مثبت یکروزه ایجاد نمی شوند. حتی گاهی مجبورید که سختی هایی را تحمل کنید.

**اردیبهشت**  
امروز روزی است که باید قدرت تحملتان را نشان دهید. همه چیز به شما بستگی دارد. شما در شرایطی قرار می گیرید که باید از تمام توانایی های تان استفاده کنید.

**خرداد**  
در مورد کارتان ایده های نابی در سردارید اما نمی دانید که چگونه به آنها جام عمل ببوشانید. درست است که احتیاط در هر شرایطی لازم است اما این که به تمام حرف ها و پیشنهادهای دیگران شک کنید، اصلاً منطقی نیست.

**تیر**  
این روزها مدام بهانه می گیرید که احتمالاً دلیلش شرایط مالی یا حتی سلامتی تان است اما نگذارید که این نگرانی شما را از پا درآورد.

**مرداد**  
مدتی است که نسبت به زندگی ناامید هستید اما امروز دیدتان عوض می شود و امید بیشتری به رابطه دارید. از این فرصت استفاده کنید و کارهای نیمه تمامتان را به پایان برسانید.

**شهریور**  
حال و هوای امروزتان کمی با روزهای دیگر متفاوت است شاید چون موانع جدیدی را بر سر راهتان می بینید. به جای این دست و آن دست کردن، سعی کنید فردی که جلو پای شما سنگ می اندازد را از سر راهتان بردارید، در غیر این صورت خودتان از مسیر اصلی دور خواهید شد.

**مهر**  
شما فرد ساده و صادقی هستید اما شاید داشتن کمی سیاست به نفعتان باشد. آنچه در حال حاضر بدان احتیاج دارید، تغییر است.

**آبان**  
خانواده یا کار؟ کدام را انتخاب می کنید؟ شما اخیراً میان این دو گیر افتاده اید و زمان زیادی را به فکر کردن در این مورد می گذرانید اما هنوز که هنوز به جواب قاطعی نرسیده اید.

**آذر**  
اگرچه از غرق شدن در رویاهایتان لذت می برید اما امروز زمانی ست که باید واقع بین باشید. تمرکز کنید موفقیت شما در محیط کار است.

**دی**  
شما بسیار عجولانه رفتار می کنید درحالی که عجله در هر شرایطی کارساز نیست. گاهی آرامش است که شما را به مراد دلتان می رساند.

**بهمن**  
شما فرد لجبازی هستید اما امروز باید کمی آرام تر برخورد کنید. اگرچه ساکت ماندن در برخی شرایط سخت است اما اگر می خواهید که زندگی بهتری داشته باشید، باید گاهی کوتاه بیایید و در مقابل دیگران سکوت کنید.

**اسفند**  
در احساسات درونی تان دچار تردید شده اید اما نگران نباشید زیرا به زودی تمام تنش های تان به اتمام می رسد و همه چیز به حالت قبل باز خواهد گذشت.

## معجون آمار و روانشناسی و کار خیر

### قصه ۳۲ سال عاشقی



دست می رسد کاری بکن / پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار» من این شعر را سرلوحه زندگی ام قرار داده ام، چون واقعیت هم همین است، هر آدمی چند صباحی در این دنیا هست و بعد از دنیا می رود. پس تا وقتی که زمان دارد باید یک حرکت مثبتی از خودش نشان بدهد نه اینکه نسبت به اطرافیانش بی تفاوت باشد؛ متأسفانه ما از این بی تفاوتی ضربه می خوریم. درحالی که اگر نگاهمان را به دنیا عوض کنیم می بینیم که هر کدام از ما با هر سرمایه و مهارتی می توانیم به حال جامعه مفید باشیم. همان طور که یکی از نویسندگان معروف معاصر کشورمان هم در یکی از داستان هایش با اشاره به نور کمرنگ گرم شب تاب گفته است: هر نوری هرچقدر هم ناچیز باشد، بالاخره روشنایی است. من هم همین طور فکر می کنم که حتی اگر من نور کمی داشته باشم اما در تاریکی نور هستم و همین خودش می تواند روشنایی ببخشد.

**اولین تجربه حضورتان سر کلاس یادان است؟**  
بله دانش آموزانم چندپایه بودند، یعنی هم دختر بودند هم پسر و هم از کلاس اول در کلاس دانش آموزانم تا کلاس پنجم که الان هم که فکر می کنم می بینم تدریس در کلاس های چندپایه کار واقعاً سختی است.

**کجا بود؟**  
در روستایی به اسم کتیم از توابع کیاسر.

**در آموزش و پرورش چند سال سابقه دارید؟**  
من ۳۰ سال خدمت را تمام کردم دو سال هم بیشتر ماندم یعنی ۳۲ سال.

**چه سالی بازنشسته شدید؟**  
دیگر سال ۷۴ از مدرسه خداحافظی کردم.

**انگار دوست نداشتید بازنشسته بشوید؟**  
بله من عاشق فضای مدرسه بودم به خاطر همین از همان موقع هم سعی کردم در کار خیر مدرسه سازی فعالیت داشته باشم.

**چرا این تصمیم را گرفتید؟**  
دلیل اولم به خاطر علاقه زیادی بود که به فضای مدرسه و بچه ها داشتم. دل کنده از این فضا برای من سخت بود می خواستم یک جوری تا وقتی زنده هستم در کنار بچه ها باشم. دلیل بعدی هم این بود که می خواستم تازه نام به حال جامعهم ثبت کنم، من سالها قبل در وصیتی که نوشتم، گفته بودم که بچه هایم بعد از مرگ خانه ام را بفروشند و مدرسه بسازند. بعد یک بار نشستم فکر کردم که چرا تا خودم زنده هستم این کار را نکنم؟! چرا با چشم خودم ببینم که این مدرسه ساخته می شود و بچه ها مشغول تحصیل می شوند. همین شد که به فکر مدرسه سازی افتادم. البته مرگ دختر نوجوانم منامه انگیزه مضاعفی شد تا من به فکر بیستم که مدرسه ای بسازم به نام او تا یادش همیشه ماندگار باشد. الان یکی از مدرسه ها به اسم دخترم مناسبت.

**این مدرسه را کی ساختید؟ الان از وضعیتش خبر دارید؟**  
فکر کنم حدود ۱۵ سال پیش، به یک مدرسه دو شیفته است، یک نوبت دخترها هستند یک نوبت هم پسرها و در هر نوبت حدود ۲۰۰ دانش آموز درس می خوانند.

**شما هم بازنشسته آموزش پرورش هستید و هم یک خیر مدرسه ساز، این دو تا شاید توی ذهن خیلی ها باهم جفت و جور نشوند، معمولاً بازنشسته های ما وضع مالی خیلی خوبی ندارند.**

بله همین طور است که می گوید، من از معلمی به سرمایه مالی نرسیدم، معلمی فقط یک کار دلی است، عشق است که معلم را در مدرسه نگه می دارد. من حدود ۲۰ سال بعد از اینکه از مدرسه تعطیل می شدم می رفتم سراغ کار دامداری.

**دامداری داشتید؟**  
بله یک دامداری کوچک در شهر خودمان پیشواي ورامین داشتم. بعد هم وارد کار ساخت وساز شدم سرمایه ام این طوری بیشتر شد. البته همیشه در ذهنم این هدف را داشتم که ثلث مالم را در کار خیر صرف کنم و در این سالها هم سعی کرده ام به این هدف برسم.

**حالا که چندین مدرسه ساخته اید، وقتی بچه هایی را می بینید که در مدرسه هایی که شما در ساختنشان مشارکت داشتید درس می خوانند چه حسی دارید؟**  
باور کنید من به این دانش آموزها نگاه می کنم و از حضورشان و شور و شغفشان لذت می برم. سعدی علیه الرحمه یک شعری دارد که می گوید: «بس بگردید و بگردد روزگار / دل به دنیا در بنیدد هوشیار / ای که

خیلی راحت از دارایی اش گذشته است، از خانه اش، ثروتش، همه آن چیزهایی که یک عمر برای به دست آوردنش زحمت کشیده، همه آن چیزهایی که به جان خیلی ها بسته شده، همان هایی که دست و دلشان به خاطر از دست دادن یک ریال دارایی شان می لرزد. جواد مهدی زاده، اما از جنس آن ها نیست، او دارایی اش را در یک کفه ترازو گذاشته و کار خیر و رضایت خدا را در کفه دیگر و لابد کفه دوم برایش سنگین تر بوده که سالهاست به کار مدرسه سازی مشغول است.

به گزارش جام جم آنلاین جواد مهدی زاده تا همین ۲۲ سال پیش فقط یک معلم بوده، معلمی که با ۳۲ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش بازنشسته شده و حالا مدت ها است که اسمش در فهرست ۶۵۰ هزار نفری خیرین مدرسه ساز کشورمان می درخشند؛ همان نیکو کارانی که زندگی شان را بر پایه کار خیر بنا گذاشته اند، همان ها که در همین دنیا - همین حالا- هر کاری در دستشان برمی آید برای کمک به دیگران انجام می دهند و از همین دنیا، خودشان پل می زنند به بهشت.

بهانه ما با برای گفت و گو با این خیر مدرسه ساز که رئیس مجمع خیرین مدرسه ساز شهرستان پیشواي ورامین هم هست، تقدیر هفته گذشته علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اوست، او یکی از پنج بازنشسته خیر صندوق بازنشستگی کشوری است؛ مردی که معتقد است: «هر آدمی چند صباحی در این دنیا هست و بعد از دنیا می رود. پس تا وقتی که زمان دارد باید یک حرکت مثبتی از خودش نشان بدهد.»

**آقای مهدی زاده چندساله هستید؟**  
من متولد ۱۳۲۳ هستم، حدوداً ۷۳ سال از خدا عمر گرفته ام و بازنشسته آموزش و پرورشم.

**چطور رفتید تدریس و معلمی؟ در خانواده شما کسی معلم بود؟**  
نه اتفاق پدرم کشاورز بود، سواد آنجانی هم نداشت با این حال همیشه توصیه اش به ما هشت تا پچاش این بود که درس بخوانیم، همیشه هم پشتیبان ما بود. الان کمترین این بچه ها من هستم که لیسانس دارم بقیه همه دکتر و دندان پزشک شده اند. معلم شدن من هم یک جورهایی کار خدا بود، من فارغ التحصیل سپاهی دانش بودم بعد از من دعوت شد برای معلمی، باینکه آن موقع این امکان را هم داشتم که بروم بانک استخدام بشوم اما به خاطر علاقه ای که به کار تدریس و کلاً کار در فضای مدرسه داشتم این مسیر را انتخاب کردم. بعد هم حین خدمت درس خواندم و بعد از اینکه لیسانس مشاوره را گرفتم یک مدتی در مدارس راهنمایی مشاور بودم. بعد هم رفتم به مقطع دبیرستان و هم معلم آماد بودم و هم معلم روانشناسی.

**آمار و روانشناسی شباهت زیادی ندارند، کدام یکی را بیشتر دوست داشتید؟**  
صدالبته که درس آمار را. این علاقه هم به خاطر کلاس های دانشگاه بود و استاد خوبی که داشتیم که شیوه تدریسش جوری بود که همه را به درس آمار علاقه مند می کرد. من هم از ایشان الگو گرفتم و سعی کردم این شیوه آموزشی را در کلاس هایم رعایت کنم.

**این الگو برچه مبنایی بود؟**  
احترام متقابل بین دانش آموز و معلم. من سعی می کردم همیشه مدت زمان کلاس را زمان بندی کنم، با برنامه ریزی اول تکالیف جلسه قبل را می دیدم و اشکالات را رفع می کردم بعد برای تدریس درس جدید وقت می گذاشتم و بعد هم بچه ها را آزاد می گذاشتم. همه این ها باعث شده بود که بچه ها پیش کلاس درس علاقه مند باشند باینکه آمار درس راحتی نبود اما هیچ وقت پیش نیامد که من در کلاسم تجدیدی داشته باشم.

**یعنی اصلاً دانش آموز ضعیف نداشتید؟**  
چرا داشتیم اما سعی می کردم برای او بیشتر وقت بگذارم که به بقیه بچه ها برسد.

**سابقه تدریس در چه شهرهایی را دارید؟**  
من در بیشتر مدارس قزوین و ورامین سابقه تدریس دارم. حتی یک مدتی هم که تازه کارم را شروع کرده بودم در کیاسر مازندران بودم و در روستاهای اطراف کیاسر به بچه ها درس می دادم.

**یعنی چند سال پیش؟**  
خیلی سال، حدوداً ۵۳ سال پیش. آن موقع که تازه کار تدریس را شروع کرده بودم و ۲۰ ساله بودم.

## سالروز ولادت حضرت امام حسن عسکری (ع) را تبریک می گوئیم.



## تکذیب یک شایعه

### جواد خیابانی ممنوع تصویر است؟



رئیس گروه ورزش شبکه ۳ سیما خیر ممنوع تصویر بودن جواد خیابانی گزارشگر فوتبال را تکذیب کرد.  
به گزارش جام جم آنلاین به نقل از خبرگزاری صداوسیما؛ در پی انتشار اخباری مبنی بر ممنوع تصویر بودن جواد خیابانی گزارشگر فوتبال به علت صحبت هایی که در برنامه تلویزیونی حالا خورشید مطرح کرد علی اصغر عمرانی رئیس گروه ورزش شبکه ۳ سیما افزود: خبر ممنوع تصویر بودن جواد خیابانی گزارشگر فوتبال را قویاً تکذیب می کنم. این خبر صحت ندارد و درست نیست.  
وی گفت: چند روز پیش برای گزارش یکی از مسابقات لیگ برتر فوتبال با وی تماس گرفتیم که با توجه به حضورش در کرمانشاه نتوانست موفق به گزارش مسابقه مورد نظر شود.  
گفتنی است چند روز پیش جواد خیابانی در برنامه حالا خورشید حضور یافت و درباره زلزله زدگان کرمانشاه و شرایط اسکان آنها انتقاد کرد. صحبت های وی باعث شد تا برخی شبکه های مجازی اقدام به انتشار اخباری مبنی بر ممنوع تصویر شدن این گزارشگر کنند.